

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

به مناسبت بیست و دومین سالگرد شهادت عبدالقیوم "رهبر"

۲۷ جنوری ۲۰۱۲



سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما- ادامه دهندگان)

په جهان دننگيالودی دا دوه کاره

یا به وځوری ککری یا به کامران شی

«رهبر»

یکی از پیشتازان جنبش انقلابی و ضد استعماری

اکنون برف زمستان چادرسفید فام خود را بر مزار انسان بزرگ و شخصیت نام آور و انقلابی کشور ما گسترده که طبعاً جانمایه لاله های سرخ بهاری خواهد بود. همانگونه اندیشه های داهیان و تیوری های روشنگرانه "رهبر" باعث رویش و دمیدن لاله های سرخ انقلابی درسرمین توده های میلیونی ما گردیده و درپیامد خود همیشه بهار آزادی، رفاه اجتماعی و جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد را به کشور عزیز و مردم دردمند و اسیر ما به ارمغان خواهد آورد.

تاکنون درباره شخصیت و موقف علمی و انقلابی "رهبر"، نظریات وسیع، همه جانبه و برارنده ابراز شده است. ولی آنچه به طور شایسته جایگاه علمی و انقلابی وی را معرفی بنماید باز هم ناگفته مانده است. بدیهی است که یک باره

نمی توان برای حصول این مأمول دسترسی کامل یافت، فقط در تداوم فعال راه و تطبیق اندیشه هایش می توان مدعی تجلیل و معرفی "رهبر" شد. تا تحقق کامل این امر، ما ضمن ادامه راه "رهبر" به اظهار درد و اندوه عمیق این ضایعه غم انگیز و جبران ناپذیر توسل می جوئیم.

قیوم "رهبر" یک شخصیت بزرگ جنبش انقلابی کشورما بود که به حق مسمی به شخصیت «جامع الاطراف» شده است. برتری بارز و چشمگیر (تبحر علمی، نظریات پیش گویانه، ایمان و باور عمیق به انقلاب، صداقت، تواضع، استواری و پایداری خدشه ناپذیر، فداکاری و از خودگذری آگاهانه) وی را انسان استثنائی و ممتاز گردانیده بود.

دست درازی و تجاوز بی شرمانه استعمار و وابستگی غلیظ نیروهای ارتجاعی (بومی و منطقه) منجر به آن شرایط نامساعدی شد که: نیروهای ملی و انقلابی نتوانند جنبش مقاومت ضد روسی را به "انقلاب رهائیبخش واقعی" ارتقاء دهند. سرکوب قهرآمیز نیروهای ملی و انقلابی و ترور بزدلانه شخصیت های نام آور، انقلابی و آزاده کشورما از سیاست به بردگی کشاندن خلق ما و بازی برمقدرات کشورما آب می خورد که از طرف استعمارگران (چه روسی و چه امریکائی) روی دست گرفته شده بود. مجریان این فرایند تباہ کن، نیروهای تاریخ زده ارتجاعی بوده اند.

"رهبر" با آگاهی کامل از این درنده خونی امپریالیسم و مرتجعان به تحلیل روشن، داهیانہ و همه جانبه می پردازد. وی می گفت: «استعمار به ترور و وحشت نیاز دارد؛ استعمار سرنوشت و مقدرات مردم ما را لگدمال می کند، آزادی آنها را می رباید، تاریخ مردم را تخطئه می نماید، به استثمار بیرحمانه توده های میلیونی مردم می پردازد و برای حفظ موقعیت مسلط استعماری راه ها و وسائل متعددی را به کار می بندد. اگرچه استعمار همواره می کوشد تا مردم را تحمیق کرده و تهاجم خود را برکشور مورد تجاوز "انتقال مدنیت" و "کمک انساندوستانه" و "همکاری برادرانه" و دفاع از انقلاب وانمودسازد، پرده افسانه نی "انسانی" و "رسالتمند" را بر غارت، چپاول و آدمکشی خود بگسترده... ولی تجارب تاریخ نشان داده است که استعمار عمدتاً و اساساً می کوشد از راه ایجاد ترور و وحشت در میان مردم، آنها را از مبارزه بازدارد».

پیامد تعویض حکومت وابسته «خلق و پرچم» به نیروهای وابسته به امریکا و مرتجعین منطقه را، رهبر چنین پیشگوئی نموده بود:»

اگر امپریالیست ها برسریک «دولت سازشی» به توافق نرسند و هکذا نیروهای ملی و انقلابی، انقلاب را از بیراهه وابستگی به سوی استقلال و آزادی واقعی رهنمون نشوند و یا به بیان دیگر «بدیل سومی» در مقابل طرح های اسارت بار امپریالیستی رونما نگردد کشورما به یک جنگ داخلی خونینی روبرو خواهد شد «نمونه لبنان پیش چشم ماست».

واقعاً که چنین شد و پیشگوئی دقیق رهبر تحقق یافت. چنانکه ما شاهد جنگ داخلی خونین جهادیها و ویرانی های حاصل از آن در سرتاسر کشور خود بودیم.

"رهبر" با درایت یک رهنمای واقعی و خستگی ناپذیر به نبرد بی امان علیه انحرافات درون جنبش و سازمان خود نیز می پرداخت. او به منظور زدودن آلودگی های ناشایسته ایدئولوژیک - سیاسی و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی و لیبرالیسم (تازه اندیشی) به تدارک و تدویر کنفرانس سرتاسری سازمان (قوس ۱۳۶۲ هجری شمسی) مبادرت ورزید. کنفرانس ضمن طرد لیبرالیسم از سازمان، یکی از مسائل مهم (مسأله تسلیم طلبی) را به صورت علمی و همه جانبه مورد بررسی قرار داد و از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی به حل آن پرداخت. تحلیل علمی و همه جانبه این

مسأله آنچنان دقیق بود که تاکنون نظیر آن دیده نشده است. رساله «تسلیم طلبی در قلمرو مبارزه و بقاء» سند علمی و اکادمیکی است که مورد استفاده علمی همه انقلابیون راستین قرار می گیرد و تاکنون نظیر آن در اسناد تنوریک جنبش انقلابی کشور مشاهده نشده است، که از این لحاظ یک نوشته منحصر به فرست است.

عطف توجه به اوضاع کنونی در پرتو تنوری های "رهبر":

اوضاع کنونی جهان، اوضاع ناآرام و تبادار خاورمیانه و منطقه، موج اعتراض جهانیان و نارضایتی روزافزون مردم امریکا از تداوم جنگ و اشغال افغانستان، بن بست کنونی جنگ و نجات از جنگ فرسایشی و دوامدار، کابوس شکست و اضمحلالی که از شکست و فروپاشی سوسیال امپریالیسم روس به ذهن سردمداران کاخ سفید متبادر و تداعی می شود، امپریالیسم امریکا را وادار به تغییر سیاست هایش نموده است. «زیرامی ترسده کنترول اوضاع از دست آنها بیرون رود و مجموع محاسبات آنها را دگرگون سازد».

کشور عزیز ما اکنون در وضعیت و موقعیت حساسی قرار گرفته است. پیشرفت اوضاع در داخل کشور و در سطح منطقه و جهان نشان دهنده این است که از یک سال بدینسو سازش و توافق امریکا با نیروهای درحال ستیز نظامی (طالبان) کاملاً بر ملامت شده است. گرچه مضمون این سازش و توافق تاکنون به طور مفصل و واضح از پرده بیرون نیفتاده است ولی قضایای ملی ما را از دایره او هام و تصورات بی بنیاد بیرون کشیده و به آن تاحد زیادی وضوح بخشیده است. آنچه از بدیهیات است تمهیدخروج «آبرومندان» بخشهایی از نیروهای اشغالگر از معرکه است. امریکا می خواهد در ساحة نظامی با دست یافتن به ایجاد پایگاه های نظامی دائمی در افغانستان و استقرار در آن برای تهدید منطقه که قسمت مهم ستراتیژی منطقه ئی اش است عجالاً اکتفاء نماید و قسمتی از وظایف عملیاتی داخلی را به نوکران بومی اش بسپارد.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا به خاطر نجات از بحران اقتصادی و پولی دست به «عملیات پیشگیرانه» نظامی و تحت عناوین گوناگون اغواگرانه، اقدام به تجاوز و اشغال کشورها نمود. اکنون جهت کسب سودهای کلان و نجات از بحران دامنگیرش، به قول زنده یار رهبر «... آرامش نسبی این کشمکش رابه سود گردش کالا – سرمایه خودتشخیص داده و راه «تفاهم» رادرپیش گرفته است». تحولات و دگرگونی های درحال وقوع و تغییرات چشمگیر و تحركات گروه های داخلی کشور ما، آرایش نوی در صف بندی طبقاتی و ملی در سطح کشور ما به وجود خواهد آورد و سبب سیلان به جابه جایی تضادهای طبقاتی جامعه خواهد گشت. این امر به نوبه خود باعث سردرگمی و ابهام در امر شناخت موقعیت تضادها خواهد شد.

با اشغال کشور ما در سال ۲۰۰۱ میلادی توسط امپریالیسم امریکا و متحدینش «وضعیت سیاسی کشور ما نیز از یک تحول منفی از موقعیت نیمه استعماری به موقعیت استعماری افتید ... نیروهای فنودالی شکست خورده، منفعل و درحال فروپاشی افغانستان بنابر اوضاع مساعد منطقه و بین المللی توانستند خود را دوباره و به شکل بهتری سازماندهی کرده و باساز و برگ مادی و سلاح های جدید ایدئولوژیکی ... سنگرهایی را که طی بیش از یک قرن به تدریج از دست داده بودند دوباره تسخیر نمودند». ولی فنودالیسم ناتوانی خود را در حل قضیه استعماری کشور در جریان پراتیک نمایان ساخت که بایستی نفرت عمومی را علیه خود برمی انگیخت.

ترویج و اتخاذ ایدئولوژی «لیبرالیسم نو» و «جهانی شدن سرمایه» و اقتصاد «بازار آزاد» توسط سرمایه داری جهانی، شرایط مساعدی را فراهم نمود تا بورژوازی وابسته به غرب در ترکیب دولت مونتاز شده کنفرانس اول بن موقف برتر و جهت عمده را احراز نماید. این امر بر تشدید مخالفت بخشی از نمایندگان فنودالیسم – که بازگشت به

روابط، عادات و سنن گذشته را آرزو دارند - افزود. اکنون باگذشت ده سال، امپریالیسم امریکا به فکر سهمگیری بیشتر بلاک بنیادگراتر نمایندگان فنودالیسم در قدرت شده است. این توافق و سازش در واقع به شکل برگ ساتر بر چهره اشغالگرانه استعمار به کار گرفته خواهد شد. و در ضمن به تغییرات کوچکی در توازن قوای درون طبقه حاکم منجر می گردد. «آرایش جدید طبقاتی جامعه ما بورژوازی کمپرادور و فنودالیسم، هر دو را به عنوان دارندگان قدرت سیاسی، به عنوان دشمنان درجه اول مردم افراز خواهد نمود».

در پیامد وقوع رویدادهای نوین آیا تضاد اساسی مردم ما با فنودالیسم و بورژوازی کمپرادور - بعد از خروج نیروهای امریکائی و متحدینش در سال ۲۰۱۴ میلادی - تضاد عمده، و درجه یک خواهد ماند؟ و همچنان با تحقق این فرایند، آیا کشور ما از موقعیت مستعمره به نیمه مستعمره تحول خواهد نمود؟

بدیهی است که در صورت تحقق پیمان ستراتیژیک با امریکا و تعهد به استقرار پایگاه های نظامی دائمی امریکا در افغانستان، خروج بخشی از نیروهای امریکائی و متحدینش به معنی پایان اشغال کشور ما نخواهد بود و کشور ما وضعیت نیمه استعماری قبل از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی را حائز نمی گردد. در واقع با استقرار پایگاه های نظامی و حضور عساکر امریکا، کشور ما کماکان زیر اشغال خواهد ماند و در آن صورت تضاد عمده خلق ما با اشغالگران امریکائی و متحدین شان کماکان به حال خود باقی خواهد ماند و تکامل تضاد اساسی خلق ما با فنودالیسم و کمپرادوریسم به تضاد عمده نیز اصلی است انکار ناپذیر....

نیروهای انقلابی با درک و فهم دگرگونی های در حال وقوع کنونی، بایستی تحلیل و بررسی علمی از اوضاع را مطرح نظر خود قرار داده و این فراخوان آموزنده رهبر را عملی سازند که می گوید:

« شرایط جدید از خود تضادها، حرکت ها و امکانات مبارزاتی جدیدی را بیرون خواهد داد و با به دست گرفتن شیوه های تحلیل علمی، استواری در مبارزه و قبل از همه و بیش از همه با انقلابی در درون خود ما، قادر خواهیم شد در پیشاپیش حرکت توده نی خودبایستیم و با تسریع میلاد حرکت نوین آن را به سر منزل واقعی برسانیم. و به امید آنروز».

گرامی باد یاد و خاطره شهید "رهبر"

دست اشغالگران و متحدین بومی شان از افغانستان کوتاه!

یامرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهنده گان)

هفتم دلو ۱۳۹۰ ش مطابق بیست و هفتم جنوری ۲۰۱۲ م